دو معنا در «تصریف الذوات»

الف) تغییر حال

اما در مورد «تصریف ذوات» دو احتمال را دادیم. یکی از آن‌ها را بررسی کردیم و یکی از آن‌ها ماند. هم بحث سریع پیش بود و هم این‌که آن مطالبی که در جمله هست و هر چه در اذهان شریف شما می‌آید، بفرمایید تا چیزی نماند. تا اندازه‌ای که ظرف ضعیف ما از این عبارت چیزی را تصور کند.

معنایی که در جلسه‌ی قبل، از «تصریف الذوات» بحث شد این بود که خدای متعال نمی‌گذارد یک ذاتی باقی بماند. همین‌طور آن را از حالی به حالی می‌برد. «تصریف الریاح»؛ باد را از این‌جا به آن‌جا می‌برد. نه روان. «تصریف الذوات»؛ یصرّف کل ذات من حال الی حال. در لغت ببینید: «حال؛ ای زال» است. این‌که می‌گویند: حال، یعنی می‌رود و می‌گذرد. می‌گویند: حالش این است و ملکه‌اش این است. ملکه، یعنی ثابت است. مُلک، یک نحو قدرت و ثبوت است. حال، حال است؛ تمام می‌شود و می‌رود. لذا تصریف، از حالی به حالی بردن است. این یک معنایی است که در جلسه‌ی قبل بحث شد.

ب) تنوع

یک معنای دیگر این بود تا ببینیم احتمالش هست یا نیست؟ تصریف، از باب «صَرِّفْنَا الْآيَاتِ»[1]، یا «صَرِّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ»[2] باشد که به‌معنای تنوع اشیاء بود. نه این‌که یک چیزی را از حالی به حالی ببرند. می‌گوییم: «صرّف اللّه فی هذه الحدیقة من کل فاکهة»، یعنی انواع مختلف. «تصریف الفواکه»، یعنی خدای متعال انواع مختلف میوه‌ها را در این باغ گذاشته است. این تنوع و گوناگونی به‌معنای «تصریف» می‌آید. در آیات و در جاهای مختلف هم می‌توانید ببینید.

---

[1]. سوره‌ی احقاف، آیه‌ی ۲۷.

[2]. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۱۳.

بازبینی #1
ایجاد شده 23 ژوئیه 2024 15:47:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 ژوئیه 2024 16:03:41 توسط ... .